

پرستش خدا

از کشیش تَت استیوآرت

بخش چهارم: ثمره پرستش راستین

۸. می دانیم که پیش از آنکه با خون مسیح فدیة داده شویم، خدا را دوست نداشتیم؛ در واقع، دشمن او بودیم (روم ۵: ۱۰). وقتی به واسطه روح القدس تولد تازه یافتیم و خدا ایمان به مسیح را به ما بخشید، نخستین نشانه آن، محبت به مسیح بود. شخص نوایمان معمولاً مسیح را برای آنچه که به او داده است، دوست می دارد؛ به عبارت دیگر، هدیه را بیش از هدیه دهنده محبت می کند. در طول زمان، بسیاری از مسیحیان رشد می کنند و در می یابند که خدا را باید برای وجود خودش پرستید. خدا شایسته پرستش است! اما پیش از آنکه این تحول عمیق بتواند صورت گیرد، ایماندار باید درک کند که محبت واقعی به خدا، یعنی دوست داشتن او برای وجود خودش (ر.ش. ۲-قرن ۵: ۱۴-۱۵). لذا هدف پرستش باید این باشد که چنان اسیر محبت خدا در مسیح باشیم که تمام وجود خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنیم.

◀ (ص ۱۲)

اوقات مشاهده می کنیم که جلسات پرستشی ما حول محور درخواستهای ما از خدا می چرخد. گویی تشویق می شویم که پرستش را وسیله ای برای فرار از واقعیت های دشوار زندگی بپنداریم و توجه نداشته باشیم که چگونه خدا در میان نسلی سقوط کرده کار می کند تا تغییری در خصائل انسان به وجود آورد. هدف من در این مقاله این است که نشان دهم پرستش واقعی منجر به تحولی چشمگیر در طبیعت انسان می گردد و این امر خود موجب شفای روابط شده، خدمت خداپسندانه را سبب می گردد.

بدبختانه، در بسیاری از جلسات پرستشی، چنین به نظر می رسد که واعظ می پندارد دگرگونی و تحول از طریق تحریک احساسات و سر و صدای بلند پدید می آید.

در قلب پرستش، محبت خدا قرار دارد که به طور کامل در صلیب نمودار شد (روم ۵:

"همه ما چون با چهره بی نقاب جلال خداوند را در آینه می نگریم، از جلال تا جلال به همان صورت متبدل می شویم" (۲-قرن ۳: ۱۸).

ثمره: تبدیلی و دگرگونی

ثمره پرستش کتاب مقدسی، تغییر و تبدیل خصائل و رفتار پرستندگان است. زندگی شخصیت های کتاب مقدس را مطالعه کنید و خواهید دید که چه رابطه ای میان پرستش و زندگی ایشان دیده می شود. پرستش ابراهیم از او شخصی با ارزشهای روحانی پدید آورد که در تناقض کامل با لوط قرار داشت که در پی ثروت دنیوی بود. تجربه عبادتی موسی در بوتۀ مشتعل، او را از فردی مردد به قهرمان بزرگ ایمان تبدیل کرد. داود حقایقی ابدی در خصوص نوع شخصیتی که خدا مد نظر داشت، آموخت. (ر.ش. مز ۲۵: ۹). علی رغم تمام این شواهد در کتاب مقدس در زمینه تحولی که پرستش راستین پدید می آورد، جای تعجب است که مسیحیان اغلب این واقعیت را از یاد می برند. اغلب

طرز فکر رهبر

(بخش سوم)

کشیش نت استیوآرت

یکی از مهم‌ترین تأثیراتی که بر دیگران می‌گذاریم، طرز فکری است که از خود نشان می‌دهیم. باید تصدیق کنم که احترامی که برای رهبران مسیحی قائلم، اغلب تحت تأثیر طرز فکری است که در زندگی‌شان مشاهده می‌کنم. وقتی در رهبری، قلبی صادق و خدمتگزار می‌بینم، به‌سوی او جذب می‌شوم و بیشتر آمادگی دارم که به گفته‌هایش توجه کنم. سلیمان چه درست فرموده: "مواظب افکار باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می‌گیرد" (امثال ۴: ۲۳، تفسیری).

در دو مقاله نخست از این مجموعه، به سه حقیقت کلیدی که در اثر طرز فکر ما شکل می‌گیرند، پرداختیم: (۱) نگرش ما به زندگی؛ (۲) نگرش ما نسبت به مردم؛ (۳) موفقیت یا شکست در خدمت. در این مقاله، می‌خواهم دو حقیقت بنیادین دیگر را در مورد طرز فکر خادم بیان کنم.

طرز فکر ما در قبال مشکلات

ما در خدمت خود، با مشکلات بسیاری روبرو می‌شویم؛ طرز فکر ما در قبال این مشکلات تعیین می‌کند که آنها به شکست منجر می‌شوند یا به برکت. آنچه که نتیجه کاری را مشخص می‌کند، اغلب نگرش ما نسبت به آن کار است. می‌گویند روزی نماینده فروش یک کارخانه تولید کفش، به دهکده‌ای رفت که در آن کسی کفش نمی‌پوشید! پس از یک هفته، او به مدیرش تلفن کرد و گفت که چون کسی در آنجا کفش به پا نمی‌کند، ناگزیر به مرکز باز می‌گردد. یک هفته بعد، نماینده دیگری به همان دهکده رفت؛ وقتی دید که کسی کفش به پا نمی‌کند، فوراً به مدیرش تلفن کرد و گفت که هزار جفت کفش برایش بفرستند! طرز فکر و نگرش شخص چه تفاوتی می‌تواند به وجود آورد.

اکثر رهبران بزرگ از دوره‌های بحرانی شدیدی گذشته‌اند، اما در همین دوره‌ها بوده که در اثر پیشه کردن نگرشی امیدوارانه، خصائل مسیح‌گونه در آنان نقش بسته است. کشیش مهدی دیباج یکی از این رهبران برجسته است. او با اینکه سالها در زندان بسر برد، اما روحیه و نگرش پیروزمندانه را حفظ کرد. کافی است دفاعیه ایمان او را بخوانید تا قدرت او را در خداوند احساس کنید. به خاطر دارم که می‌گفت که شخص مسیحی همانند برگ گل سرخ است؛ هر چقدر او را بیشتر بفشارید، بوی عطر بیشتر به مشام می‌رسد. بیایید به مشکلات، با ستایش خدا و امید به وعده‌هایش نزدیک شویم؛ آنگاه زندگی‌مان عطر خوشبوی مسیح را خواهد داد.

صفحه ۱۱

مطالب این شماره

- ثمره پرستش راستین؟ (بخش چهارم) (تت استیوآرت) ص ۱
- طرز فکر رهبر (بخش سوم) (تت استیوآرت) ص ۲
- اهداف والدین در تربیت فرزند (بخش چهارم) (تت استیوآرت) ص ۳
- خدمت به مسیح و اصول آن (بخش ۲) (وارن ویرزی) ص ۵
- از هر انگشت شبان...!!! (بخش ۱) (نینوس مقدس‌نیا) ص ۹

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش نت استیوآرت

دفتر مجله

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1- 303- 873 66 11
Fax: +1- 303- 873 62 16
tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند، تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.



کتاب مقدس و تربیت فرزند

بخش چهارم: اهداف والدین در تربیت فرزند

نوشته کشیش تیت استیوارت

پرتاب کند. این تمثیل در خصوص تربیت فرزند، سؤال مناسبی را مطرح می‌سازد: "فرزندان خود را به‌سوی چه هدفی سوق می‌دهیم و چگونه تمام تلاشهای ممکن را انجام می‌دهیم تا ایشان را در مسیر اهداف خدا قرار دهیم؟" اهدافی که والدین برای فرزندانشان خود انتخاب می‌کنند، بیانگر این است که خود ایشان چه اموری را موفقیت واقعی تلقی می‌کنند. اگر پدر و مادر بر سر این اهداف اتفاق نظر نداشته باشند، امکان بروز تنش به‌وجود می‌آید. من دیده‌ام که والدین معمولاً اهدافی را برای فرزندانشان خود بر می‌گزینند که در دنیای ما موفقیت به‌حساب می‌آید. این اهداف می‌توانند یکی از امور زیر باشد.

اهداف دنیوی برای فرزندانشان

۱ - بسیاری از والدین بر این باورند که هدف اولیه برای فرزندانشان باید تحصیلات خوب باشد؛ لذا ایشان را به‌سمت بالاترین مدارج تحصیلی ممکن سوق می‌دهند.

← ص ۴

شماره، می‌خواهم نکته‌ی حیاتی دیگری را در امر تربیت فرزند بررسی کنم؛ و آن این است که والدین چه هدفی برای فرزندانشان دارند.

فرزندان خود را به‌سوی چه هدفی سوق می‌دهیم؟ و چگونه تمام تلاشهای ممکن را انجام می‌دهیم تا ایشان را در مسیر اهداف خدا قرار دهیم؟

به‌سوی چه هدفی؟

داود در مزمور ۱۲۷ یادآوری می‌کند که فرزندانشان به ما تعلق ندارند؛ خدا آنان را همچون میراثی به دستهای ما سپرده است. پس وظیفه‌ی والدین این است که وقت خود را با فرزندانشان صرف کنند تا ایشان را، تا سرحد امکان، برای یک زندگی ثمربخش آماده سازند. داود می‌فرماید که فرزندانشان همچون تیری هستند در دست جنگاوری ماهر که می‌داند آن را چگونه به‌سوی دشمن

"اینک پسران میراث از جانب خداوند می‌باشند و ثمره رحم، اجرتی از اوست. مثل تیرها در دست مرد زورآور، همچنان هستند پسرانی جوانی" (مزمور ۱۲۷: ۳-۴).

تأثیر حالات والدین بر فرزندانشان

والدین مسیحی دعوت شده‌اند تا فرزندانشان خود را به روش الهی تربیت کنند. در مقالات گذشته از این مجموعه، دیدیم که این نکته بدان معنا است که والدین باید درک کنند که در امر تربیت فرزندانشان، نیرویی شکل‌دهنده در کار است. همچنین مشاهده کردیم که باید بیشترین اولویت را برای رابطه‌ی خود با خدا قائل شوند زیرا رابطه‌ی والدین با خدا و حالت قلبی ایشان، در نهایت، بیشترین تأثیر را بر فرزندانشان دارد. یک بار، مادر جوانی از یک مشاور مسیحی دانا پرسید که تربیت فرزندش در شرایط جنگی کشورش، چه تأثیر بلندمدتی بر فرزندش خواهد داشت. مشاور در پاسخ پرسید: "خود شما از زندگی کردن در چنین شرایطی، چه احساسی دارید؟" مادر گفت: "خوب، احساس خوبی دارم چون معتقدم که خدا مرا خوانده است تا در آنجا باشم." مشاور گفت: "پس حتماً فرزندتان هم احساس خوبی خواهد داشت!" سپس توضیح داد که فرزندانش منعکس‌کننده‌ی حالت قلبی والدینشان می‌باشند. در این

این تعلیم عیسی اعتقاد داشته باشند که فرمود "اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد" (متی ۶: ۳۳)، آنگاه هدفشان این خواهد بود که به فرزندان خود بیاموزند که با وفاداری با خداوند راه بروند.

۲) باید به فرزندان خود بیاموزیم که روحیه خدمت داشته باشند. خداوند ما رهبری خدمتگزار بود؛ قلب خدمتگزار او را زمانی مشاهده می‌کنیم که پایهای شاگردانش را شست و به ایشان فرمود: "به شما نمونه‌ای دادم تا چنانکه من با شما کردم، شما نیز بکنید" (یوحنا ۱۳: ۱۵). وقتی فرزندان من در سنین نوجوانی بودند، کلیسای ما خدمتی را ترتیب داد تا نوجوانان هر هفته، یک بعد از ظهر، به خانه افراد محله بروند و در کارها به ایشان کمک کنند.

۳) باید به فرزندان خود بیاموزیم که طرز فکر مسیح را داشته باشند. پولس می‌فرماید: "همان طرز فکری را داشته باشید که مسیح عیسی داشت" (فیل ۲: ۵، هزاره نو). طرز فکر را باید کسب کرد. کودک خیلی سریع، همان طرز فکری را منعکس می‌سازد که در ما می‌بیند. وظیفه ما این است که به او بیاموزیم تا طرز فکری را که منعکس می‌سازد، تشخیص دهد. من و همسر من اغلب از فرزندانمان می‌پرسیدیم که آیا دعا کرده‌اند یا نه. چقدر برایمان عجیب بود که ایشان حتی در سنین پایین، می‌گذاشتند ما بدانیم که آیا حالات درونی و طرز فکرشان خوب بوده یا بد. فرزندان باید حالات درونی بد را گناه تلقی کنند و آنها را اعتراف کرده، فروتنی و محبت را جایگزین آنها سازند. ← ص ۱۱

هر یک از این اهداف می‌تواند ارزش خاص خود را داشته باشد، اما لازم است والدین معنی واقعی موفقیت را درک کنند. در رومیان ۱۲: ۲ به ما هشدار داده شده که همشکل این جهان نشویم، بلکه با ایجاد تغییر در ذهن خود، رفتار خود را تغییر دهیم. حال، اگر بخواهیم تعریف خدا را جایگزین تعریف دنیا از موفقیت سازیم، این اهداف چه باید باشند؟ تصور می‌کنم خدا برای ما والدین مسیحی، دست‌کم شش هدف را در نظر دارد.

اهدایی که والدین برای فرزندان خود انتخاب می‌کنند، بیانگر این است که خود ایشان چه اموری را موفقیت واقعی تلقی می‌کنند.

۱) ما باید به فرزندان خود بیاموزیم که پیرو امین مسیح باشند. پولس می‌فرماید: "انتظاری که از کارگزار می‌رود، این است که امین باشد" (۱-قرن ۴: ۲، هزاره نو). بزرگترین هدیه‌ای که می‌توانیم به فرزندان خود بدهیم، این است که به ایشان بیاموزیم که در زندگی خود نسبت به مسیح امین باشند. مادر من کتاب مقدس را بسیار دوست می‌داشت و ساعت‌های متمادی را در هفته صرف آموزش آن به ما می‌کرد. او اغلب به ما می‌گفت: "اگر مطمئن باشم با خداوند راه می‌روید، دیگر نگران این نخواهم بود که چه شغلی را انتخاب خواهید کرد!" وقتی مرا در آغاز نوجوانی به مدرسه شبانه‌روزی فرستادند، او هر هفته برایم نامه می‌نوشت و در آن، آیات کتاب مقدس را با من در میان می‌گذاشت و می‌پرسید که رابطه‌ام با خدا چگونه است. اگر والدین به

۲- هدف مهم دیگر برای والدین این است که فرزندانشان بیشترین مهارت‌ها را کسب کنند؛ لذا ایشان را بر آن می‌دارند

تا در اموری نظیر یادگیری موسیقی، فعالیت‌های ورزشی، و فراگیری کامپیوتر کسب مهارت کنند.

۳- بعضی از والدین این هدف را مد نظر دارند که فرزندانشان از لحاظ روان‌شناختی سالم باشند؛ لذا توجه خود را معطوف به این می‌کنند که عزت نفس ایشان را جریحه‌دار نسازند.

۴- اکثر والدین این هدف را نیز پیشه می‌کنند که فرزندان باادب تربیت کنند؛ لذا نهایت تلاش خود را می‌کنند که رفتارهای خوب به ایشان بیاموزند و ایشان را با شیوه زندگی خود همسو سازند. متأسفانه، گاه توجه ایشان فقط معطوف به رفتارهای ظاهری است و حالات درونی و قلبی کودک را نادیده می‌گیرند. به این ترتیب، وقتی کودک انتظارات والدین را با موفقیت بر آورده می‌سازد، ممکن است دچار غرور شود؛ اما اگر این انتظارات را برآورده نسازد، ممکن است دچار سرافکنگی گردد.

۵- برخی از والدین نیز این هدف را دنبال می‌کنند که فرزندان کاملاً مطیع تربیت کنند، و شاید تا آن حد که از ایشان انتظار خدمت داشته باشند. گرچه انتظار ایشان رفتاری پسندیده است، اما در عمل خواهان اعمال کنترل کامل بر فرزند خود می‌باشند. چنین هدفی ممکن است یا منجر به طغیان و بیگانگی شود، یا به انفعال، زیرا کودک هرگز نمی‌آموزد که در زندگی خود ابتکار عمل به‌خرج دهد.

اهداف الهی برای فرزندانمان

خدمت به مسیح

و اصول آن

بفش دوم

نوشته وارن ویرزبی

ترجمه کشیش هندریک شانظری، (کلیسای انجیلی ایران)

مردم؛ و آدمیان نه تنها دارای مشکلاتی هستند، بلکه گاهی اوقات خودشان مشکل اصلی هستند. بدون محبت، نمی‌توان به افرادی که حالت تدافعی می‌گیرند و نمی‌گذارند کسی با آنان ارتباط برقرار کند، کمک کرد.

محبت در خدمت به مسیح

در شماره قبل گفته شد که باید نیازهای دیگران را مورد توجه قرار دهیم، نسبت به آنان بی‌تفاوت نباشیم و نیازهای دیگران را فرصتی برای ارتقاء خود نگردانیم. ولی انسانهایی که می‌خواهیم به یاری آنان بشتابیم ممکن است خود همین نگرشها را نسبت به مشکلات خود داشته باشند! بعضی از انسانها نسبت به نیاز خود بی‌اطلاع هستند. عده ای نیازهای خود را نادیده می‌گیرند، و یا دیگران را مورد سرزنش قرار می‌دهند. عده ای دیگر نیز یاد گرفته‌اند با "سوء استفاده" از نیازهای خود آنچه را که می‌خواهند از دیگران بدست آورند. آنان قادر به حل مشکلات خود نیستند زیرا به این سبک زندگی

سوخت" (متی ۹: ۳۶).

وقتی مردمی که خدمتشان می‌کنیم، باعث عصبانیت یا ناامیدی ما شوند، معمولاً اولین کاری که انجام می‌دهیم این است که دعا کنیم و از خدا بخواهیم آنان را تغییر دهد. در حالی که باید ابتدا برای خود دعا کنیم و از خدا بخواهیم محبت ما را افزایش دهد.

کاربرد "کانالهایی پر محبت" در این تعریف به این معنی نیست که خادمین خدا ظروف منفعلی بیش نیستند و خدا بوسیله آنان تنها برکات خود را جاری می‌سازد. چنین نیست که خدا بدون توجه به ما و بجای ما کار می‌کند، بلکه خدا در ما و بوسیله ما کار می‌کند. خدا از طریق ما کار می‌کند تا دولت الهی خود را شامل حال دیگران سازد، ولی با این وجود، می‌خواهد که کانالها را نیز برکت دهد. اگر خادم از عملی که انجام می‌دهد برکتی نمی‌گیرد، مشکلی اساسی وجود دارد. خدمت خدا نوعی تنبیه نیست، بلکه خادم از طریق خدمت تغذیه می‌شود.

خدمت خدا عبارتست از کار کردن با

در شماره پیش، خلاصه‌ای از سه فصل اول کتاب مفید و مختصر وارن ویرزبی در باره خدمت ارائه شد؛ طی آن، تعریف خدمت و دو اصل مربوط به آن را از نظر گذرانیدیم. در این شماره، ترجمه فصل‌ها ۴ و ۵ کتاب را در باره دو ویژگی دیگر خدمت مسیحی ارائه می‌دهیم.

ایمانداران جوجه تیغی!

بعضی از انسانها، مانند جوجه تیغی هستند، چون به آنان نزدیک شوی حالت دفاعی یا حتی تهاجمی به خود می‌گیرند. می‌خواهید برای کمک به آنان نزدیک شوید، ولی چون چنین کنید، زخمی خواهید شد.

به همین دلیل خدمت مسیحی نیازمند محبت است. خدمت زمانی تحقق می‌یابد که دولت سرشار الهی از طریق کانالهایی پر محبت جریان یابند تا نیازهای بشری بر آورده شود و نام خدا جلال یابد. اگر انگیزه ما برای خدمت چیزی کمتر از محبت مسیح باشد - یعنی محبت او نسبت به ما و محبت ما نسبت به او - خدمت ما نیازهای بشری را برآورده نخواهد ساخت و باعث جلال خدا نخواهد شد: "و چون انبوه جماعتها را دید، دلش بر حال آنان

عادت کرده‌اند. کمک کردن به این گروه آخر بسیار دشوار است.

با وجود این، باید بیاد داشته باشیم که ما کانالهای پر محبت فیض الهی هستیم. ما که خادمین خدا هستیم، بیشتر از آنانی که خدمتشان می‌کنیم شایسته دریافت فیض خدا نیستیم؛ ما نمی‌توانیم فیض و رحمت الهی را محدود سازیم.

بسیاری از ما پذیرفته‌ایم که قادر نیستیم دیگران را آنطور که مسیح آنان و ما را دوست دارد، دوست بداریم. نهایت سعی خود را می‌کنیم تا مطابق اول قرنیتان ۱۳ محبت نماییم، ولی زیاد دوام نمی‌آوریم. خدا از ما نمی‌خواهد به قوت خود دیگران را با محبت مسیحایی محبت نماییم، زیرا او در زمان نیاز، این محبت را در ما بوجود می‌آورد (ر.ک. روم ۵: ۵۹؛ غلا: ۵: ۲۲).

محبتی که برای خدمت نیاز داریم یک توانایی طبیعی نیست، بلکه یک ویژگی فوق طبیعی است که تنها خدا می‌تواند در ما بوجود آورد. وقتی مردمی که خدمتشان می‌کنیم، باعث عصبانیت یا ناامیدی ما شوند، معمولاً اولین کاری که انجام می‌دهیم این است که دعا کنیم و از خدا بخواهیم آنان را تغییر دهد. در حالی که باید ابتدا برای خود دعا کنیم و از خدا بخواهیم محبت ما را افزایش دهد. در غیر این صورت، نقطه ضعفی به دست شیطان می‌دهیم تا در موارد بعدی کمک به اینگونه افراد، از همین نقطه مورد تهاجم قرار گیریم (ر.ک. افس. ۴: ۳۲).

روح القدس قادر است شما را در رویارویی با تمام چالشهایی که در خدمت برایتان ایجاد می‌شود، تجهیز نماید. واقعیت این است که خداوند اجازه می‌دهد که انسانهای مشکل‌دار به زندگی شما وارد

شوند تا بیاموزید بیشتر به قدرت او توکل نمایید تا بر تواناییهای خود.

گاه چاره‌ای جز ترک خدمت و فرار نمی‌بینیم، ولی این بدترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم.

توجه خدا به خود خادم

اکنون فرصت مناسبی است که به یکی از حقایق موجود در باره خدمت مسیحی اشاره کنیم، حقیقتی که به دلایل مختلف آن را نادیده می‌گیریم. خدا به اندازه‌ای که به فکر خدمت است در فکر خادم خود نیز می‌باشد. اگر خدا فقط می‌خواست کاری انجام گیرد، می‌توانست فرشتگان خود را بفرستد، و آنان کار را سریعتر و بهتر انجام می‌دادند. ولی او نه تنها می‌خواهد بوسیله ما کاری را انجام دهد، بلکه می‌خواهد در ما نیز کاری انجام دهد و به این دلیل است که جوجه‌تیغی‌هایی بر سر راه ما قرار می‌گیرند. خدا آنان را بکار می‌برد تا ما را تشویق به دعا نماید، تا بیشتر به کلام او اعتماد کنیم و برای محبت و فیض بیشتر، به روح توکل نماییم. روح القدس شرایط و افراد دشوار را بکار می‌برد تا ما را یاری نماید که رشد نموده، بیشتر هم‌مشکل مسیح شویم.

با وجود این، وقتی مشکلاتی پیش می‌آیند، غالباً تمایل داریم برای رهایی از مشکل دعا کنیم و نه برای رشد. از خدا می‌طلبیم که "از این مسئله چگونه خلاصی یابیم؟" و نه اینکه "از این مسئله چه چیزی بدست آوریم و بیاموزیم؟ هر گاه چنین کنیم، فرصتی که خدا برای رشد روحانی

برای ما ایجاد کرده بود را از دست می‌دهیم. گاه چاره‌ای جز ترک خدمت و فرار نمی‌بینیم، ولی این بدترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم. استعفا از کار کلیسا، ترک خدمت در کانون شادی، شرکت نکردن در کمیته جوانان و خاتمه دادن به تمرینات در گروه کر، هرگز مشکلات را حل نمی‌کند و یا نیازهای درونی شما را برآورده نمی‌سازد. احتمالاً در خدمت دیگری که بپذیرید، با همان موقعیت و همان افراد، با اسامی متفاوتی، رویا رو خواهید شد. چرا؟ چون خدا به خادم خود اجازه فرار نمی‌دهد. خدا مصمم است که فرزندانش "به شکل پسرش درآیند" (روم. ۸: ۲۸)، و تا رسیدن به هدف به کار خود ادامه خواهد داد.

فرار از شرایط مشکل امری طبیعی و انسانی است. بسیاری چنین کرده‌اند و بسیاری نیز در صدد آن بوده‌اند. آنچنان از دست قوم خسته شده بود که مرگ را به زندگی ترجیح داد (اعد. ۱۱: ۱۰-۱۵)؛ ایلیا آنچنان ناامید شد که ترک خدمت کرد و به بیابان رفت و از خدا مرگ خواست (اول پاد. ۱۹).

هر کجا هم که بروید، با افراد و شرایط مشکل رویارو خواهید شد، پس همیشه منتظر چنین افرادی باشید و قاطعانه تصمیم بگیرید که آنان را بپذیرید و به خدا اجازه دهید آنان را در زندگی شما بکار برد. شیطان می‌خواهد این چنین افراد را برای مشوش ساختن و از هم پاشیدن شما بکار برد، ولی روح می‌تواند آنان را برای بنای شما مورد استفاده قرار دهد. انتخاب با شماست. اگر به خدمت خود ادامه دهید و به خدا اعتماد کنید، به طریق عجیبی فیض او را در زندگی خود تجربه خواهید کرد و به خادمی بهتر

زیرا که باد روح "هر کجا که بخواهد می‌وزد" (یوحنا ۳: ۸)، لذا باید هوشیار باشیم تا بادبانهای خود را در جهت درستی تنظیم نماییم. ممکن است که در حرفه مسیحی خود موفق باشیم، ولی در خدمت مسیحی شخصی شکست‌خورده‌ای بیش نباشیم.

خدا جلال می‌یابد وقتی مردم خداوند را ببینند و نه خادم را (ر.ک. متی ۵: ۱۶). باید تصمیم بگیرید که می‌خواهید خادم باشید یا فردی پرآوازه؟ آیا می‌خواهید که مسیح ستوده شود یا خود را تبلیغ نمایید (فیل ۱: ۲۰-۲۱)؟ از آنجایی که انگیزه‌های ما همیشه برایمان آشکار نیست، ممکن است به دلایلی غیر از جلال خداوند وارد خدمت خداوند شده باشیم. بعضی‌ها فقط برای نفع شخصی وارد خدمت مسیحی شده‌اند. شاید طعم اقتدار و مورد استقبال و قدردانی واقع شدن، که اغلب اوقات با خدمت همراه است، به مذاقشان خوش آمده است. شاید از امکان داشتن فرصتهایی برای آشکار نمودن تواناییها و استعدادهای خود لذت می‌برند. بعید به نظر می‌رسد که کسی با انگیزه‌ای کاملاً فداکارانه و عاری از خودپسندی کاری را انجام دهد؛ ولی به یاری خدا می‌توان در این راستا تلاش نمود.

خدا جلال می‌یابد وقتی مردم ارباب را ببینند و نه ناظر را. روزی مدیر هیأت مشایخ کلیسایی، واعظی معروف را با کلماتی تملق‌آمیز به جماعت کلیسایی معرفی نمود. واعظ در پاسخ وی گفت: "خدایا برای آنچه گفت او را ببخش، و برای لذت بردن بسیار زیاد از گفته‌های او مرا ببخش."

هر گاه دریابید که بیشتر نگران وجهه و محبوبیت خود هستید تا

عامل مهم‌ترین است، زیرا نجات و خدمت مسیحی در جلال خدا خلاصه می‌شود (افس. ۱: ۶، ۱۲، ۱۴). او حکم فرموده است که "هر چه می‌کنید ... همه را برای جلال خدا کنید" (اول قر. ۱۰: ۳۱).

اگر انگیزه ما در خدمت جلال خدا نباشد، آنچه انجام می‌دهیم تنها فعالیتی مذهبی است و نه خدمت مسیحی. ممکن است به نوعی دیگران را یاری کنیم، ولی خدا قادر نخواهد بود آنچنان که می‌خواهد آن کار را برکت دهد.

مشخص نمودن اینکه چه چیزی باعث "جلال خدا" می‌شود، امری دشوار است. شاید بتوان گفت زمانی نام خدا جلال می‌یابد که نمی‌توانیم توضیح دهیم که چه اتفاقی می‌افتد، و کسی هم انتظار چنین رخدادی را نداشت.

در خدمت مسیحی، بزرگترین مشکلات، عبارتند از مشکلاتی که با بعضی از افراد ممکن است افراد ممکن است داشته باشیم؛ و افرادی که چنین مشکلاتی دارند یا مسبب چنین مشکلاتی هستند، بیشتر از هر کس دیگری نیازمند یاری ما هستند.

روزی پس از موعظه واعظ معروف دوایت ال. مودی در بیرمنگام، یکی از دوستان الهیدان او که در جلسه حاضر بود و با او همکاری می‌کرد، با شنیدن موعظه مودی و دیدن نتیجه امر، به وی گفت: "آنچه انجام شد بدون شک کار خدا بود، زیرا ارتباطی بین گفته‌های تو و آنچه انجام شده نمی‌بینم." و مودی با لبخندی پاسخ داد: "اگر چیزی غیر از این بود متأسف می‌شدم." عمل خدا غالباً قابل پیش‌بینی نیست.

تبدیل خواهید شد (ر.ک. ۲ قرن ۱: ۳-۴). عیسی "از هر حیث همچون ما وسوسه شده است" (عبر. ۴: ۱۵) تا بتواند نیازهای ما را درک کرده، به شایستگی آنان را برآورده سازد؛ ما نیز گاهی به همین دلیل بعضی سختیها را تجربه می‌کنیم. حزقیال نبی می‌گوید: "پس به تل ایبب نزد اسیرانی که نزد نهر خابور ساکن بودند، رسیدم و در مکانی که ایشان نشسته بودند، در آنجا به میان ایشان هفت روز متحیر نشستم" (حز ۳: ۱۵). در مکانی که ایشان نشسته بودند... نشستم. این است وضع و نگرش خادم واقعی عیسی مسیح که می‌خواهد کانال پرمحبت فیض الهی باشد.

مشکلات مردم و رشد خادم

در خدمت مسیحی، بزرگترین مشکلات، عبارتند از مشکلاتی که با بعضی از افراد ممکن است داشته باشیم؛ و افرادی که چنین مشکلاتی دارند یا مسبب چنین مشکلاتی هستند، بیشتر از هر کس دیگری نیازمند یاری ما هستند. به همین دلیل است که بدون توجه به عکس‌العمل دیگران نسبت به خدمت ما، باید کانالهایی پرمحبت برای جریان فیض الهی بسوی آنان باشیم. ممکن است سالها طول بکشد تا خداوند آنان را تبدیل دهد و شاید زمانی که این امر انجام گیرد، شما دیگر در صحنه نباشید. با وجود این، خداوند مشغول است و آنچه را آغاز نموده است به کمال خواهد رسانید (فیل. ۱: ۶).

خدمت فقط برای جلال خدا

عامل چهارمی که در خدمت مسیحی تعیین‌کننده است، جلال خداست. و این

شخصیت و کارت‌تان، دیگر خدا را جلال نمی‌دهید.

زمانی که خدمت شما ثمر بیار می‌آورد، خدا جلال می‌یابد. عیسی گفت: “جلال پدر من در این است که میوه بسیار آوری” (یوحنا ۱۵: ۸). بین ثمره (میوه) و نتیجه کار تفاوت وجود دارد. می‌توان با بکارگیری فرمولهائی شکست‌ناپذیر، با تحت تاثیر قرار دادن مردم بوسیله تدابیر خاص، و یا بکارگیری مواهب خدادادی خود نتایج خارق‌العاده‌ای بدست آورد. ولی میوه از حیات نشأت می‌گیرد. وقتی روح حیات از طریق کلمه حیات عمل می‌کند، بذر کاشته شده ثمر می‌آورد؛ و در چنین میوه‌ای بذری است که می‌تواند میوه بیشتر بیاورد (پید. ۱: ۱۱-۱۲). نتایج آمار، ارقامی قابل شمارش بیش نیستند و پس از چندی تنها به ارقامی خاموش تبدیل می‌شوند، ولی میوه زنده و واقعی باقی می‌ماند و افزوده می‌شود و نام خدا جلال می‌یابد (یوحنا ۱۵: ۱۶).

مخالفت شیطان

می‌خواهم ملاک دیگری برای کاری که باعث جلال خدا می‌شود معرفی نمایم: دشمن با کاری که انجام می‌دهید به مخالفت می‌پردازد. پولس می‌گوید: “زیرا دری بزرگ برای خدمت مؤثر به رویم گشوده شده، و مخالفان نیز بسیارند” (اول قر. ۱۶: ۹). فرصتها و دشمنیها غالباً در کنار هم هستند، و دشمنان خود فرصتهای جدیدی برای خدمت ایجاد می‌نمایند.

شیطان افرادی را که خودستایی می‌کنند و بر جسم توکل می‌کنند مورد تشویق قرار می‌دهد، ولی زمانی که روح خدا کار می‌کند و نام خدا جلال می‌یابد متنفر است.

باید تصمیم بگیرید که می‌خواهید خادم باشید یا فردی پراوازه؟ آیا می‌خواهید که مسیح ستوده شود یا خود را تبلیغ نمایید

جلال خدا یا جلال خود؟!

مشکلات موجود در خدمت، دو فرصت متفاوت در اختیار شما قرار می‌دهند: فرصتی برای جلال خدا، یا فرصتی برای جلال خود. تجربه موسی در فصل ۳۲ کتاب خروج مثال خوبی از این واقعیت است. وقتی موسی بر بالای کوه بود و دستورات لازم را از خدا دریافت می‌کرد، قوم تحمل خود را از دست داد و از هارون خواست تا خدایی جدید برای آنان بسازد. هارون گوساله‌ای طلایی ساخت و قوم در مقابل آن به جشن و پایکوبی، بت پرستی و انجام اعمال غیراخلاقی پرداختند. البته خدا می‌دانست چه اتفاقی افتاده است و موسی را نیز مطلع ساخت (آیه ۷) و پیشنهاد نمود که قوم را نابود ساخته، قومی جدید و بزرگتر از موسی و نسل او بوجود آورد (آیه ۱۰). فردی کوچکتر از

موسی فرصت را غنیمت می‌شمرد و بدون تامل این پیشنهاد را می‌پذیرفت تا بنیان‌گذار ملتی جدید باشد. ولی موسی از خدا خواست تا قوم را ببخشد، زیرا بزرگترین دلمشغولی موسی جلال نام خدا بود. در واقع موسی حتی آماده بود که جان خود را فدا کند و خدا در مقابل، از سر تقصیر قوم بگذرد (آیات ۳۰-۳۵).

قوم اسرائیل از مبارزات موسی در بالای کوه بی‌خبر بود، همانطور که اعضای کلیسای شما ممکن است هیچ اطلاعی نداشته باشند که به خاطر آنان چه کشمکش‌ها و پیکارهایی را در پیش دارید. ولی زمانی که فقط برای جلال خدا زندگی و خدمت می‌کنید، فداکاری شخصی امری ناقابل خواهد بود.

ایمان دارم که روزی شما و من نیز قادر خواهیم بود در حضور خدای پدر سخنان عیسی را تکرار نماییم که: “کاری را که به من سپردی، به کمال رساندم، و اینگونه تو را بر روی زمین جلال دادم” (یوحنا ۱۷: ۴).

فراموش نکنیم که دعوت شده‌ایم تا مطیع این کلمات باشیم: “پس هر چه می‌کنید، خواه خوردن، خواه نوشیدن، خواه هر کار دیگر، همه را برای جلال خدا بکنید” (اول قر. ۱۰: ۳۱).



از هر انگشت شبان ... !!!

به قلم: کشیش نینوس مقدس‌نیا
(کلیسای انجیلی ایران)

بخش نخست: ضرورت قضیه

سینمای مجانی !!!

چند سال پیش، روزی برای خاکسپاری یکی از اعضای کلیسا، همراه با خانواده و بستگان او و نیز چند نفری از دوستان و همسایگان غیر مسیحی وی، راهی آرامگاه بودم. در اتوبوس، همسایه‌ی شخص متوفی کنار من نشست و از هر دری سخنی پیش آمد. طبق معمول، از بحث سیاسی شروع کردیم و به مشکلات اجتماعی و اقتصادی رسیدیم و بالاخره در هر مورد نظری دادیم و همه‌ی معضلات جهانی را به نوعی حل کردیم! نمی‌دانم چطور شد که به ادبیات و هنر هم پرداختیم و حتی در مورد سینما هم صحبت کردیم. طرف صحبت من از این تعجب کرد که چطور من کشیش، از آخرین فیلمهای مطرح در ایران و جهان خبر دارم و در مورد کار هنرپیشگان داخلی و خارجی اظهار نظر می‌کنم؛ آن هم با ذکر عنوان فیلمهایی که بازی کرده‌اند. جالب اینکه، در آخر، او خود را به عنوان مدیر یکی از سینماهای زیبا و معروف تهران معرفی کرد و کارتی هم به من

داد تا بتوانم با همراهم، از هر فیلم آن سینما دیدن کنم؛ آن هم مجانی!

خادم و ناآگاهی

مردم اغلب فکر می‌کنند که کشیشان و شبانان کلیساها، آدمهای ناآگاهی هستند و از اوضاع و احوال دنیای اطراف خود بی‌خبرند؛ همه‌ی وقتشان در چهار دیواری کلیسا صرف

بخصوص شبانان کلیساهای ایرانی باید از هر انگشتشان، هنری بریزد!

دعا و مطالعه‌ی کتاب مقدس می‌شود و از دنیای امروز خیلی عقب‌اند. دید مردم نسبت به کشیشان در بیشتر موارد این است که ما خادمان خدا، چند دعایی را حفظ کرده‌ایم و هر یکشنبه هم همان حرفهای همیشگی و نصیحتهای قدیمی را تکرار می‌کنیم؛ همین و بس!

خادم همه‌فن‌حریف!
شاید در گذشته، بعضیها اینطور بوده‌اند، اما الآن زمانه عوض شده و کشیشان باید همه فن حریف باشند! شرایط زمانه‌ی کنونی ایجاب می‌کند که شبان کلیسا بر اوضاع و احوال جماعت و اجتماع خود اشراف کامل داشته باشد و بداند که در دنیا چه می‌گذرد؛ بخصوص شبانان کلیساهای ایرانی باید از هر انگشتشان، هنری بریزد! بر خلاف کلیساها در غرب که همه چیز تخصصی است و جوانان، شبان خاص خود را دارند، مسئول موسیقی، تحصیلات مخصوص کار خود را دارد و ... ، شبان ایرانی در خدمت خود در کلیسا، معمولاً دست تنها است. او باید به تنهایی تمام کار کلیسا انجام بدهد؛ هر یکشنبه باید موعظه کند و مدیر جلسه هم خودش باشد، باید بتواند صدای آرگ یا پیانو را دریاورد، به گروه جوانان یا بانوان درس بدهد، احیاناً دستی هم در کار ترجمه و نگارش داشته باشد و بولتنی منتشر کند و از دستگاههایی از قبیل کامپیوتر و پرینتر و فتوکپی هم سر در بیاورد. شبان کلیسای ایرانی باید <

مردگان اطلاع داشت (اعمال ۶:۲۳-۱۰) و از همان، برای رهایی خود سود جست. او از حقوق قانونی خود به عنوان تبعه روم باخبر بود و با استفاده از همان، توانست به قیصر رفع دعوی کند و به روم فرستاده شود (اعمال ۷:۲۵-۱۲). آگاهی او از ادبیات و نوشته‌های بت پرستان، رسالتش را جذاب تر می کرد (اول قرن‌تین ۱۵:۳۲-۳۳؛ تیطس ۱۲:۱). خلاصه اینکه، به قول امروزی‌ها "فسیل" نبود، بلکه با زمانه پیش می رفت و ادای خشکه مذهبی‌ها را هم در نمی آورد!

در مقالاتی که در چند شماره آینده از نظر خوانندگان گرامی می گذرد، سعی خواهد شد که این ضرورت مطالعه بیشتر و ارتقاء سطح آگاهی در شبانان و کشیشان، بیشتر مورد تأکید قرار بگیرد و مختصراً به بعضی شاخه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته شود. در هر بخش، منابعی هم معرفی خواهند شد تا خوانندگان گرامی بتوانند با مراجعه به آنها، اطلاعات مفید و مختصری، در حد نیاز خود، کسب کنند.

«همه چیز را تحقیق کنید، و به آنچه نیکو است متمسک باشید» (اول تسالونیکیان ۵:۲۱)؛ و این کار مستلزم مطالعه و بررسی و تحصیل مداوم است. خادم شایسته خدا، باید به معنی خاص کلمه، "اهل کتاب" باشد.

شبان، علاوه بر دانش الهیاتی، لازم است از اصول روانشناسی و فن مشاوره و تاریخ و فرهنگ جهان و کشور خود،... و بخصوص... از اصول عقاید فرقه‌های کلیسایی و تاریخچه آنها، آگاه باشد

پولس رسول نمونه خادمی موفق است که با آگاهی وسیعی که از امور دنیای خود داشت، می توانست گلیم خود را از آب بکشد و خدمت مؤثرتری داشته باشد. او می دانست که چگونه در آن، با اشاره به "مذبح خدای ناشناخته" (اعمال ۱۷:۲۳) سر صحبت را باز کند و به یونانیان بت پرست بشارت دهد. او از اختلاف عقیده میان فریسیان و صدوقیان بر سر مسأله قیامت

بر کار تعمیرات کلیسا و امور مالی آن نظارت داشته باشد، به کارهای اداری و قانونی آن رسیدگی کند، و از هر چیزی سررشته داشته باشد.

مهمتر از همه اینکه، شبان کلیسا با هزار و یک جور آدم سر و کار دارد و باید به هر کدام پاسخی مناسب بدهد. شبان، علاوه بر دانش الهیاتی و کتاب مقدسی، لازم است از اصول روانشناسی و فن مشاوره مطلع باشد، در مورد تاریخ و فرهنگ جهان و کشور خود نکاتی را بداند، از سطح سواد و معلومات عمومی بالایی برخوردار باشد، و بخصوص در مسایل کلیسایی، از اصول عقاید و فرقه‌ها گرفته تا تاریخچه آنها، خبره محسوب شود.

جهت رسیدن به این هدف، "مطالعه مستمر" مهمترین نیاز کشیش و شبان کلیسا است. البته او باید اولویت را به امور روحانی اختصاص بدهد، اما نباید از سایر امور غفلت کند، بلکه باید خود را از هر نظر دیگر تجهیز نماید؛ در واقع لازم است که در یک دست، کتاب مقدس، و در دست دیگر روزنامه داشته باشد! کلام خدا به ما توصیه می کند که،

اعلانات: کنفرانس‌های تابستانی برای خادمین

مؤسسه "تعلیم" در تاریخ ۱۲ تا ۱۶ آگست ۲۰۰۵ در کولورادو (آمریکا) برگزار خواهد شد. سخنرانان اصلی، کشیشان سارو خاچیکیان و تت استیوآرت خواهند بود. برای کسب اطلاعات بیشتر با نشانی زیر تماس بگیرید:

I.C.I., tel: +1- 719 596 0010

"کلیسای محبت"، با نشانی زیر تماس حاصل بفرمایید:

The Church of Love
Ostergade 57-59
5000 Odense
Tel: +45-40 53 25 23
info@mohabat.nete-mail:

• کنفرانس شبانان با همکاری "انجمن بین‌المللی مسیحیانی ایرانی" (ابما) و

• کنفرانس تربیت خادم: این کنفرانس از تاریخ ۲۶ ژوئن (جون یا یونی) تا اول ژوئیه (جولای یا یولی) سال ۲۰۰۵ در دانمارک برگزار خواهد شد و مخصوص رهبران کلیساها و اعضای کلیسایشان می باشد. برای کسب اطلاعات بیشتر، با

➤ صفحه ۴

۴) باید به فرزندانمان بیاموزیم که کلام خدا را دوست بدارند. داود می‌فرماید: "به چه چیز مرد جوان راه خود را پاک می‌سازد؟ به نگاه داشتنش موافق کلام تو" (مزمور ۱۱۹: ۹). وقتی بچه بودم، هر وقت برای صبحانه وارد اتاق می‌شدم، می‌دیدم که مادرم مشغول مطالعه کتاب مقدس است. او نه فقط کتاب مقدس را دوست داشت،

۵) ما دعوت شده‌ایم تا قدرت امید کتاب مقدسی را به فرزندانمان نشان دهیم. پطرس در رساله‌اش به امید زنده اشاره کرده (۱-پطرس ۱: ۳)، امیدی که با ایمان به صفات الهی و وعده‌های ابدی او زنده نگاه

داشته می‌شود. وقتی بچه بودم، شاگرد بسیار بدی بودم و اکثر معلم‌ها، امیدی به موفقیت من نداشتند. اما مادرم ایمان داشت که خدا هدفی برای من دارد؛ او هیچگاه امیدش را از دست نداد. این امید به مسیح بود که به من کمک کرد تا پشتکار داشته باشم. به فرزندان خود امید مسیحی را هدیه کنید.

۶) باید به فرزندان خود بیاموزیم که اختلافات خود را با دیگران، با فروتنی و مهربانی حل کنند. پولس فرموده که به ما خدمت مصالحه سپرده شده است (۲-قرن ۵: ۱۸). این وظیفه را با حل مشکلات خانوادگی به روش الهی آغاز کنید. از فرزندان خود از بابت رفتارهای ناپسند خود

عذرخواهی کنید و به ایشان بیاموزید که ببخشند و کینه در دل نگاه ندارند.

امید من این است که همه والدین مسیحی در مورد این شش نکته دعا کنند و از خدا طلب کمک نمایند تا فرزندان خود را در عدالت پرورش دهند.

➤ صفحه ۲

طرز فکر ما و تحقق طرح‌های بزرگ دوم، طرز فکر و نگرش ما تعیین‌کننده این است که خدا چقدر می‌تواند ما را برای جلال خود به کار گیرد. من روحیه پولس را دوست دارم که فرمود: "آرزویم همواره این بوده است که در جایی بشارت دهم که مسیح شناخته نشده" (روم ۱۵: ۲۰، هزاره نو). او طرح‌های بزرگی داشت تا برای خدا انجام دهد، و این طرح‌ها را دنبال می‌کرد. ما در کلیسا به چنین روحیه‌ای طراح نیاز داریم. ما به

کسانی نیاز داریم که با جسارت برای مسیح کار کنند و به خدا برای انجام طرح‌های بزرگ ایمان داشته باشند. هنری مارتین زمانی به ایران آمد که بسیار جوان بود، اما خدا او را به کار برد تا عهد جدید برای نخستین بار به فارسی ترجمه شود (۱۸۱۲). دکتر سعید خان کردستانی، حدود یکصد سال پیش، با شهادت به ایمان خود شهادت داد. علت شهادت این مردان، طرز فکر مسیح‌گونه ایشان بود.

پیشنهاد می‌کنم فیلیپیان ۲: ۳-۸ را بخوانید و به طرز فکر مسیح توجه کنید: (۱) کارها را با دلایل درستی انجام دهید

(آیه ۳: ۲) دیگران را از خود مهم‌تر بشمارید (آیه ۳: ۳) به منافع دیگران توجه نشان دهید (آیه ۴: ۴) عیسی به هويت خود اطمینان داشت، از اینرو با وارستگی دیگران را خدمت می‌کرد (آیه ۶: ۵) مسیح تشنه قدرت نبود، بلکه خود را خالی کرد تا اراده خدا را به جا آورد (۶-۸).

خدا به هر یک از ما فیض عطا کند تا از الگوی ملایم خداوندان عیسی مسیح پیروی کنیم.

ص ۱

قلب پرستش: تبدیل شدن

پولس در رومیان ۱۲: ۱-۲، به قلب پرستش تحول بخش می‌رود. در این آیات، او "تبدیل شدن" را با "همشکل شدن" در تقابیل قرار می‌دهد. او می‌گوید که قدرت جهان در این است که ما را همشکل خود سازد و ظاهر ما را شکل بخشد، زیرا جهان قدرت این را ندارد که خطائ الهی را در ما پدید آورد. واقعیت غم‌انگیز این است که در بسیاری از کلیساها یگانه روشی که شبان آموخته تا به کار ببرد، این است که پرستش را مطابق روشهای این جهان انجام دهد، و نه اینکه اعضا را به سمت تحول و تغییری درونی هدایت کند. پولس می‌فرماید که "چنین اشخاص، رسولان کذب (دروغین)... هستند" (۲-قرن ۱۱: ۱۳-۱۵). در نقطه مقابل آن، می‌بینیم که پولس در رومیان ۱۲، به مسیحیان تعلیم می‌دهد که اگر به رحمت خدا واکنش مثبت نشان دهند و زندگی خود را همچون قربانی زنده به او تقدیم کنند، خدا خشنود می‌شود و ایشان قادر خواهند شد خدا را به گونه‌ای راستین و تکریم‌آمیز پرستند. اکنون به اجزاء تشکیل‌دهنده پرستش دگرگون‌کننده خواهیم پرداخت.

تقدیم بدن خود چون قربانی

بسیار روشن است که پرستش مسیحی هرگز نباید امری مکانیکی و بی‌تفکر باشد. بر عکس، پولس به پرستندگان یادآوری می‌کند که باید رحمت‌های خدا را مد نظر داشته باشند و با تقدیم قربانی به خدا، به این رحمت‌ها واکنش نشان دهند؛ این قربانی همانا بدن ما است. پولس با این کلمات،

می‌خواهد ما قاطعانه درک کنیم که باید تمام وجود خود را بیاوریم و آن را به خدا تقدیم کنیم. او بدن ما را به معبد خدا تشبیه می‌کند، معبدی که باید آکنده از پرستش راستین شود (ر.ش. ۱-قرن ۶: ۱۹-۲۰). به‌هنگام پرستش، دعوت می‌شویم که زندگی خود را با قدوسیت مسیح همسو سازیم و اگر جزئی از وجود ما ابزاری در دست ناراستی باشد، باید که توبه کنیم و با تسلیم کامل به خدا، خود را همچون قربانی به او تقدیم نماییم. پرستشی که ایمانداران را به چنین توبه‌ای سوق ندهد، هرگز موجب دگرگونی در خصائل و رفتار نخواهد شد.

گویی تشویق می‌شویم که پرستش را وسیله‌ای برای فرار از واقعیت‌های دشوار زندگی ببنداریم.**تقدیم فکر خود همچون قربانی**

همچنین در این بخش حیاتی از کلام خدا، روشن است که پرستندگان دعوت شده‌اند تا عقل و ذهن خود را به خدا تقدیم کنند. می‌فرماید: "بلکه به تازگی ذهن خود، صورت خود را تبدیل دهید" (روم ۱۲: ۲). تعلیم پولس با تعلیم خداوند ما هماهنگ است که می‌فرماید: "خداوند خدای خود را به... تمام فکر خود محبت نما" (لوقا ۱۰: ۲۷). به همین سبب است که هر جلسه پرستشی باید از تعلیم دقیق کتاب مقدس برخوردار باشد و پرستندگان نیز آگاه باشند که خدا چه نوع واکنشی را از ما انتظار دارد. باید که تعالیم مقدس کلام خدا را دوست بداریم زیرا آنها ابزاری به دست می‌دهند تا حقیقت را تشخیص دهیم و در عدالت تربیت شویم

(۲- تیمو ۳: ۱۶). بدبختانه، در بسیاری از جلسات پرستشی، چنین به نظر می‌رسد که واعظ می‌پندارد دگرگونی و تحول از طریق تحریک احساسات و سر و صدای بلند پدید می‌آید. کلیساهای ما شدیداً نیازمند شبانانی هستند که فراگیرندگان کلام خدا باشند و بدانند چگونه باید حقایق آن را به روشنی به اعضای کلیسایشان عرضه دارند.

تقدیم اراده همچون قربانی

و بالاخره، نباید نادیده بگیریم که دعوت شده‌ایم تا اراده خود را نیز تسلیم خدا کنیم؛ با چنین پرستشی است که می‌توانیم مطابق اراده نیکو و پسندیده و کامل خدا زندگی کنیم. پرستش راستین به معنی اطاعت از اراده خدای پدر است و تسلیم به حاکمیت او در هر جنبه از زندگی‌مان. پرستش راستین را در باغ جتسیمانی مشاهده می‌کنیم، آن گاه که عیسی این کلمات جگرسوز را بیان فرمود: "ای پدر من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش من، بلکه به اراده تو" (متی ۲۶: ۳۹). به‌هنگام پرستش، میان خواسته‌های من و اراده خدا تنشی پدیدار می‌گردد. هنگامی که پرستندگان راستین تسلیم اراده او می‌شوند، عطر خوشبوی مسیح به آسمان بر می‌خیزد و ایشان در می‌یابند که سبب خشنودی خدا شده‌اند و می‌توانند گامی فراتر به سوی شباهت به منجی محبوب خود بر دارند. ثمره پرستش راستین در معجزه دگرگونی گناهکاران مشاهده می‌شود که زمانی دشمن خدا بودند، ولی اکنون هر روزه خود را همچون قربانی زنده به خدای قادر مطلق تقدیم می‌کنند.